

ملاحظات پیوسته با تحریر تجمع لاشخورها

امیرفیض - حقوقدان

روز سه شنبه بیست و سوم جولای تلفنی داشتم از آقای دکتر نصر اصفهانی که اظهار علاقه کردند راجع به تحریر تجمع لاشخورها توضیحاتی بدهند تشکر کردم توضیحات ایشان بتقریب چنین است:

کنگره همبستگی که از ۳۰ سازمان تشکیل شده تاکنون از بدو تشکیل هیچگاه تغییر نام نداده است. سوء تفاهم حاصله ممکن است ناشی از وجود نامهای مشابه در مبارزه ایرانیان خارج از کشور باشد ولی سازمان هائی که تشکل کنگره را تشکیل میدهند خودشان به حرکت های سیاسی همبستگی داخلی مبادرت میکنند که تاثیری در موقعیت کنگره ندارد.

راجع به شباهت اول نام انگلیسی فعالیت کنگره در رابطه با «جبهه هماهنگی مبارزان» عقیده داشتند که قصد خاصی از انتخاب I.D.F نداشته و اضافه کردند که خیلی از سازمان های مبارزاتی از این عنوان استفاده میکنند از جمله حشمت طبرزدی و گفتند «شما استاد همه هستید قضاوت باشماست» (تعارف ادبی).

در این وقت چون علائم مشکلات سلامتی ام بروز کرد >عذر خود گفتم و میل خدا حافظی متقابل فراهم گشت<

متأسفانه ایشان درباره تجمع ۲۸ جولای سخنی به میان نیاوردند، در حالیکه اساساً تحریر تجمع لاشخورها بمناسبت همان اجتماع نگران کننده بود نه مسائل نام و امثالهم. نگرانی عمده بطور کلی ناشی از تصمیم و عمل است نه نام، نام تنها وسیله معرفی است.

واما واکنش تحریر لاشخورها

دویاسه روز قبل از تلفن مزبور نامه ای بوسیله سایت جاوید ایران دریافت داشتم که نویسنده آن، >سازمان پیام، هماهنگ با جبهه هماهنگ سازمان مبارزان ایران< و بنام آقای مصطفی لو در اعتراض به تحریر تجمع لاشخورها بود نامه را خواندم. بحقیقت متأسف شدم چرا که سازمانی که خودش رابه کنگره آمریکا میرساند و برای تامین آزادی انتخابات مطالبه کمک از آمریکا میکند چطور اگر قصد پاسخ به اعتراضی را دارد حد اقل یک آدم شایسته ندارد که به نویسنده نامه مزبور ماموریت داده شده است.

نامه جوابی نداشت و همان بی جوابی، خود جواب بود. ولی بعد از مذاکره تلفنی آقای دکتر نصر اصفهانی چنین معلوم شد که بی جواب گذاشتن آن نامه مورد انتظار آقای نصر اصفهانی نبوده است بهتر و بجا دیدم که نامه مطرح و جواب گیرد چراکه به موضع آقای نصر اصفهانی هم مربوط میشود.

نمیدانم ان نامه راکسانی که احتمالاً این تحریر را مفتخر به امعان نظر میکنند خوانده اند یا خیر. بمنظور رفع شبهه، وسهولت وزن و محتوای نامه، از جاوید ایران درخواست میکنم نامه سازمان مزبور را در همین جا پیاده کنند که استناد به موضوع و تطبیق آن راحت تر ممکن شود.



)) تو اول بگو با کیان دوستی که تا من بگویم که تو کیستی
سکر

قریب هجده سال پیش اغلب روزنامه ها و ماهنامه های سیاسی از جمله سکر را دریافت میکردم که ناشر سکر در تورنتو کانادا، نصف بسم الله (الرحمن) یا آقای امیر فیض بود. و کوی حقوقدان و اسلام شناس هستند. من ماهنامه سکر را میخواندم و حتی بدو تا نام هم حار ش میکردم.
طرح هشتاد - بیست!

این طرح توسط سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی ایجاد شده است و آن را به اصلاح طلبان هم نسبت میدهند ولی در اصل، این طرح و برنامه را ساوا جابا بکار می سازد سازمانهای جاسوسی کشورهای روسیه، چین و کره در جهت حفظ رژیم جمهوری اسلامی تهیه کرده اند.
شماره های هشتاد و بیست در این طرح، یعنی رژیم جمهوری اسلامی در داخل و خارج از ایران، با ایجاد و ارسال بدیل های مخالف رژیم که بیست درصد آن هم هدایت شده) به رژیم اعتراض میکنند ولی هشتاد درصد از کلیت رژیم طرفداری مینمایند.
مثال: میر حسین موسوی نخست وزیر سابق رژیم حاکم بر ایران، بعد از تظاهرات میلیونی مردم در سال هشتاد و هشت، کشتار زندانی کردن و انحراف قیام مردم گفت: خواستار برگشت به دوران طلایی امام (خمینی) است. یا نوریزاده که دست یابی هم در نمرش دارد، هر پیشه وارد دست فرزندان بهایی رامی بوسد و یاب خانه های زندانیان سیاسی می رود و از آن خود فریبکار خاتمی هم جانانه دفاع می کند.
اما طرح هشتاد - بیست جمهوری اسلامی در خارج از ایران، از اهمیت خاصی برخوردار است. چرا که پوزسیون آزاد و اصلی در خارج از ایران است. و براساسی عوامل ارسالی بیست درصد ناراضی و مخالف، و هشتاد درصد طرفدار و مامور رژیم، تاکنون موفقیت های زیادی هم بدست آورده اند!!

بخشی از اقدامات رژیم جمهوری اسلامی با طرح هشتاد - بیست:

ایجاد تفرقه و تشتت، در مقابل با هر گونه اتحاد و همبستگی

جمع آوری اسم، آدرس و ایمیل مخالفان رژیم، برای نیل به اهداف خودشان
 نشر روزنامه، ماهنامه، ایجاد وبلاگ و برنامه های تلویزیونی برای شست شوی مغزی، ایجاد ناامیدی و در نهایت حمله به مبارزان و رهبران آنان.
 در سال گذشته:

در حضور ادب و دانش یکی از دو لتمدان پاک و خدمتگزار دوران پادشاهی بودم که تا پایان عمر پربارش، در کنار تحقیق و مطالعات علمی و خدمات شایسته،
 پژوهشی در آیین زرتشت را هم پایان میرسانید. آرزو داشت در خاک وطن بمیرد و دریغاً که نزدیک به یکسال پیش در غربت بجادوانگی پیوست.
 شادوان فرمودند که آیا شاخزاده هم سکر را میخوانند؟ عرض کردم سکر دیگر چاپ نمیشود. فرمودند چرا؟ و من علتش را نمیدانستم. فرمودند آیا ناشر سکر و یا
 دوستان ایشان را دیده اید و یا میشناسید؟ عرض کردم حضوران.

شادوان فرمودند: خوب توجه کن. قبل و بعد از دهم پنجاه، تعدادی از توده ای با دولت نفوذ کردند و حتی یکی از آن توده ای ها که صندوق پول حزب
 توده را با خود برده بود در بار بمقام بالا رسید! وی اهل شیراز و رفیق شفیق، همین امیر فیض بود و چندین بار هم امیر فیض در ماهنامه سکر از وی تعریف
 و تمجید کرده است. آن آخوندزاده توده ای درباری، در سال پنجاه و هفت، به گام با آخوندها، نوشته (مرک بر شاه) را روی میز شاه گذاشته بود. او مرده
 است.

ولی امیر فیض کماکان بانیش قلمش و زهر باورش، نه تنها تمامی طرفداران سامانه پادشاهی و وفاداران بخاندان پهلوی را ناراضی و بدبین کرده است
 بلکه با حملات و انتقادهای سنگین، شاخزاده را هم تضعیف نموده است اما شاخزاده را فرورانه در نوشته بایش، اعلیحضرت رضاشاه دوم می نویسد! و اگر
 هر کس دیگر هم در جهت نجات هویت ایرانی با حربه باوری قدم موثر بردارد امیر فیض با دروغ و بهتان با بهکاری رقتناش دست بکار میشود و هشاد در صد
 از رژیم جانی و ضد ایرانی دفاع میکند (طرح هشاد بیست)

آقای امیر فیض در هفته گذشته هم، در تارکی سگی پرتاب کرده که حاکی از نا آگاهی و بغض، کینه وی بوده است. گوی وی از چگونگی تشکیل لنگره همبستگی
 ایرانیان در سال دو هزار و شش و متعاقباً از هماهنگی سی و دو سازمان دیگر بنام جبهه هماهنگ مبارزان ایران اطلاعی ندارند و آن هزار مدعی، اختصار
 نام انگلیسی، ایرانیان دموکراسی فروت را که پیش از دو سال است با برگزاری نزدیک به یکصد نشست بگارش ادامه داده است بنام بیگامان

آشنای خودش تشابه کرده است. و براساسی آقای امیرفیض نام اختصاری انگلیسی فدراسیون بیماران دیابتیک (بیماران قندی) را هم با همان علامت
 بابه کجا مرتبط میدانند؟

اما آقای امیرفیض مرتکب هم شده و اعضای جبهه هماهنگ مبارزان ایران را لاشخور خوانده است. بقول شاعر عارف و عاقل، از کوزه برون تراود
 که در اوست.

سازمان پیام، هماهنگ با جبهه هماهنگ مبارزان ایران
 موسترال، کانادا، احمد مصطفی (لو))

(آنکه از خودش دفاع نکند لیاقت دفاع از کشور را ندارد)-

چنانکه نامه مزبور بیان موضوع میکند قصد نویسنده در اثبات ادعایش در پناه روایت است که امیرفیض
 توده ای است و ماموریت تخریب مبارزه را دارد و سند این ادعای او دو چیز است یکی روایت و دیگری طرح
 هشتاد - بیست.

اول روایت

روایت ایشان اینطوری است (کسی که علاقه به ایران داشته و اهل علم و فضل بوده به ایشان گفته
 امیرفیض با توده ای های محشور بوده رفیق شفیق یک توده ای اهل شیراز، آخوند زاده، که صندوق
 حزب توده را برد و در دربار هم به مقامات بالا رسید بوده است و سنگرها هم به کرات از او تجلیل و تمجید
 کرده است).

برای استحضار آقای مصطفی لو و بیشتر کنگره همبستگی، این توجه بجاست که **راوی روایت، باید معلوم
 و دارای نام و نشان باشد تا از این طریق بتوان به اصالت روایت وارد شد.** راوی در جریان روایت، همانند
 شاهد در بیان شهادت است نمیشود گفت یک نفر شهادت داده ولی آن یک نفر معلوم نباشد که کیست.

استناد به روایات مجهول و شهود نامعلوم، ابزار پرونده سازان است، نه برای دادگاه بلکه برای رضایت
 مافوق خود که به مافوق خود نشان دهند کاری کرده اند. آقای احمد مصطفی لو بمناسبت حرفه اداری
 سابق خود به این طریق پرونده سازی ها عادت دارند و عجیب اینکه رسوب این عادت، بادوام سی ساله
 هنوز فعال است و مصداق <ترک عادت موجب مرض> برای ایشان شده است.

در این میان این حیرت احساس کردنی است که چگونه کنگره همبستگی که مدعی است از ۳۰ سازمان
 تشکیل یافته و نامه هم از طرف یکی از همان سازمان ها نوشته شده به نقص حقوقی و جدیت در پرونده
 سازی توجهی نکرده. گذشت چند روز آینده نشان خواهد داد که آقای مصطفی لو سرخود پرونده و ادعای

واهی ساخته و یا اقدام ایشان ناشی از ماموریتی بوده که از کنگره و شخص آقای دکتر نصر اصفهانی داشته است.

ابهام در روایت بی پایه

روایت ساختگی آقای احمد مصطفی لو نقل قول از کسی است که او هم معرفی نشده و فقط علانی از او داده شده است که باید با رمل و اصطراب و یا ممارست و تحقیق آن راوی دست دوم را شناخت.

علانی که داده است اینهاست؛ او اهل شیراز و از طایفه آخوند و عضو حزب توده که صندوق حزب را ربوده و بهنگام شورش ۵۷ اعلامیه شورشیان را در روی میز شاه قرار میداده (قرینه بیست سوالی)!

اسناد منتشر شده ساواک جلد اول صفحه ۲۱۲ و مجموعه اسناد تاریخی زمان پهلوی صفحه ۱۰۶ مشخصات بالا (منهای اعلامیه گذاشتن روی میز شاهنشاه) را دکتر محمد باهری معرفی میکند.

تکلیف قانونی و اخلاقی

از آنجا که آقای مصطفی لو در همین نامه خودشان، اظهار داشته اند که ۱۸ سال سنگرها را خوانده اند و اکنون هم تحریرات اینترنتی سنگر را میخوانند بطوریکه چند بار انتقال شادمانی خودشان از تحریرات را به اینجانب، بدیگران سفارش کرده اند، ناچارند مواردی از تمجید دکتر باهری در سنگرها ارائه دهند.

والا در محدوده وسیعی از بی اخلاقی قرار خواهند گرفت که کوچکترین آنها دروغ گوئی و بی وجدانی خواهد بود.

توضیحات دفاعی

برای آگاهی خوانندگان این تحریر دفاعی، این توضیح بجاست که آقای دکتر باهری گرچه سالها قبل از شورش ۵۷ از حزب توده کنارگیری کرده بود ولی هیچ رابطه آشنائی حتی در کار و کالت دادگستری بین ما وجود نداشت. چراکه آقای دکتر باهری معاون وزیر دربار بود و من یک وکیل معمولی و اساساً ایشان کار دادگاهی نمیکرد مانند وکلای مقامدار دیگر.

تنها برخورد و آشنائی با دکتر باهری زمان کوتاهی بود که سازمان ایرانی مجامع بین المللی به ریاست جناب آقای زاهدی و مدیریت آقای دکتر بوشهری و عاملیت آقای مهندس تقی امامی تشکیل و اینجانب بسمت بازرس سازمان و مشاور حقوقی سازمان انتخاب شدم و آقای دکتر باهری هم مشاور حقوقی سازمان شدند، و در آن زمان کوتاه که مقارن با سال های شورش بود نه دکتر باهری عضو حزب توده بود و نه اساساً شورش ملاها مطرح بود. شرح بیشتر از شناخت دکتر باهری در کتاب خاطرات و ماجراهای وکیل دربار صفحه ۲۰۰ آمده است.^۱

۱ - نسخه ای از این کتاب ارزشمند در نزد من هست و هرگاه خواسته باشند میتوان کپی آن برگ ویژه گراور شده و فرستاده شود. ح-ک

واما درخارج ازکشور، مطلقا بین اینجانب ودکترباهری هیچ تماس ومکاتبه ای نبوده وحتی سنگرهم نمیگرفتند واساسا دکترباهری سخت طرفداراسلام وشیعہ ۱۲ امامی بود بدون اینکه طرفدارجمهوری اسلامی بیان موضوع کند.

نوشته دکترباهری

درتحریر (ظاهروبطن درشورش ۵۷) که درسایت ۱۴۰۰ قابل مطالعه است درعنوان داخلی (جامعه دومکتبی، دورهبری کشورما) ^۲ به نوشته افرادی مانند آقای فریدون هویدا - دکترمنوچهرگنجی - دکتر خدایار وآقای دکترباهری دردفاع ازاسلام وتشیع استناد شده که دیدگاه ها وتفکرات آنها درواقع جاده صاف کن برای گرایش روشنفکران وتوده مردم به شورش ۵۷ بود. اکنون متن نامه دکترباهری که در آن تحریر منعکس است وازکیهان لندن شماره ۴۵۸ گرفته شده به اینجا آورده میشود ونتیجه ازاین زحمت وتصدیع هم بیان خواهد شد.

>> اهل عترت (یعنی ۱۲ امام) بطوری که روایت شده سرمشق فضایل اخلاقی هستند وهیچ طریقی برای درس اخلاق بهترانقل روایات مربوط به زندگی آنها نیست، زینب بارفتاری که اودرمقابل یزید داشت، سرمشق حرمت و آزادی ودلالت دربیان است. قضیه کربلا نمونه ثبات قدم درراه حق، ایثار، عشق وشجاعت است. کردارورفتار علی، تانید حق طلبی، عدالت، فصاحت وثبات است که هیچ چیزی جای آنرا نخواهد گرفت<<

(کیهان لندن شماره ۴۵۸)

علاقمندان به اظهارنظر گنجی، فریدون هویدار دکترخدایار به تحریراشاره شده رجوع فرمایند.

نتیجه استناد به نوشته باهری

کسی که تصورکند سنگربا آن سابقه وانتشار رسالات، متعدد درباره اسلام (به معرفی سنگر درسایت ۱۴۰۰ رجوع شود) ^۳ از دکترباهری درسنگرتمجید وتجلیل کند بیماری عقلی خودرا علنی ساخته است.

اشاره سنگر به نام آقای دکترباهری

تا آنجا که بیاد دارم فقط یکبار نام آقای دکترباهری درسنگرها مطرح شده؛ آنهم درسنگر ۱۵ شهریور ۱۳۷۴ است که پس ازامضای موافقت با خودمختاری کردها بین اعلیحضرت ومنوچهرگنجی با حضور تیمرمن آمریکائی واعتراض سخت سنگردرمقاله «موافقت شوم» که باسنگر سرخ رنگ منتشرشد، سنگر درشماره بالا زیرعنوان پیشنهاد تقدیمی خطاب به اعلیحضرت نوشت:

^۲ - به این دو مورد نگاه کنید:

<http://1400years.org/AmirFeyz/AngizehShoresh57TahghighTahmigh-AmirFeyz-13Feb2012.pdf>

<http://1400years.org/AmirFeyz/ZaherVaBatenShuresh57MaktabNationalism-AmirFeyz-11Feb2013.pdf>

^۳ - شرحی در باره سنگر را اینجا بخوانید:

<http://1400years.org/AmirFeyz/GozareshFaaliyateSangar-AmirFeyz-19Mar2012.pdf>

((اعلیحضرتا - این سرباز اجازه میخواد در نهایت احترام و بقید لزوم و فوریت پیشنهاد زیر را به حضور اعلحضرت تقدیم دارد؛

اعلیحضرت، آقای دکتر باهری حقوقدان و با سابقه وزارت دادگستری را مامور فرمائید تا به مسئله موافقت خودمختاری کردها که گفته میشود در اجلاس ۲۷ ژوئیه به امضای اعلیحضرت رسیده است اظهار نظر نماید))
(از سنگر ۵ شهریور سال ۷۴)

دوم - طرح هشتم - بیست

دانشی به کابردان منزند

دلیل دیگر آقای احمد مصطفی لو این است که سازمان ساوا (مربوط به جمهوری اسلامی) با همکاری با سازمان های جاسوسی کشورهای روسیه و چین و کره در جهت حفاظت از جمهوری اسلامی طرح تهیه کرده که نام آن «هشتاد - بیست» است و آن تفرقه انداختن بین مخالفان جمهوری اسلامی است که امیرفیض اجرای این نقش را دنبال میکند.

تبریک به آقای دکتر نصر اصفهانی

جای تبریک دارد به آقای دکتر نصر اصفهانی که چنین کاشف بزرگی که بر برنامه های جاسوسی و طرح های کشورهای روسیه و چین و کره اشراف دارد زیر سایه کنگره همبستگی ایرانیان، فعال است. (پایان تبریک)

فکر (اختلاف بیان و حکومت کن) در فرهنگ همه کشورهای جهان حتی قبائل و خانواده ها از ایام بسیار قدیم وجود داشته و اکنون هم جاری است (جوایوسبیکر) رئیس ائتلاف ضد جنگ آمریکا گفته است > آمریکا در عراق از سیاست تفرقه بیان و حکومت کن استفاده میکند؛ و اضافه کرده است که این کاربرد از سال ۲۰۰۳ از سوی آمریکا بکار گرفته شده است.

آقای (اندره فومت) کارشناس سیاسی ایتالیایی هم گفته: > انگلستان حتی هنوز هم از سیاست اختلاف بیان و حکومت کن استفاده میکند.

نتیجه گیری از این تحریر

ابزار تشخیص و نتیجه گیری از این تحریر همان بیتی است که سازمان یکنفره «پیام» آقای احمد مصطفی لو، از آن استفاده کرده و آن این است که اول بگو با کیان هستی تا بگویم که کیستی.

مقصود از باکیان بودن یعنی همبستگی فکری و کاری اعم از سیاسی و اجتماعی و دینی بین دویا چند نفر است.

لذا بکاربردن ابزار تشخیصی که آقای مصطفی لو ارائه داده، میتواند قاطعیت موضوعات زیر را در برداشته باشد:

- ۱- اگر سازمان ادعائی آقای مصطفی لو موهوم و فاقد شخصیت حقوقی است که اینطور هم هست لذا همبستگی موهوم با موجود و برعکس آن ممکن نیست (کبوتر با کبوتر بازا بازا) الا اینکه تمام ۳۰ سازمان ادعائی هم از همان ملات موهوم و اسمی است به اثبات رسیده است.
- ۲- اگر تحریر حاضر نشانی داشته باشد از بی صداقتی، دروغگوئی و نادانی آقای مصطفی لو، و نشان مزبور خمیرمایه همه کسانی است که در همبستگی کنگره حضور دارند، چراکه افراد صادق و پاک را با افراد مزور و کذاب و شرور صحبت و معاشرتی نیست < (جبران خلیل جبران) تا چه رسد به همبستگی سیاسی در این آشفته بازار سیاسی.